

تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان سلماس

رحیم کاظمی، جعفر یعقوبی و امیر نعیمی*

(دریافت: ۹۷/۰۶/۱۰؛ پذیرش: ۹۷/۱۰/۰۴)

چکیده

امروزه توانمندسازی زنان یکی از اهداف توسعه است و به معنای افزایش شناخت، قابلیت اعتماد، حق انتخاب، مهارت و قدرت کنترل به‌وسیله آنان می‌باشد. بنابراین، این مطالعه با هدف تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان سلماس انجام گرفت. روش تحقیق این مطالعه، توصیفی - همبستگی بود. تعداد جامعه آماری این پژوهش، ۳۱۹۹۶ زن روستایی بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۳۸۲ نفر به دست آمد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. ابزار تحقیق، پرسشنامه بود که روایی ظاهری و محتوایی آن با استفاده از نظرسنجی از متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه، از طریق محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌های به دست آمده از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که سرمایه اجتماعی اثر مثبت و معنی‌داری بر روی توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی مورد مطالعه داشت، به‌طوری که این متغیر ۳۴ درصد از تغییرات توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی را تبیین نمود.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، توانمندسازی روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی.

۱ به ترتیب، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشیار و استادیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی دانشگاه زنجان. زنجان، ایران.
*مسئول مکاتبات، پست الکترونیک: a.naeimi@znu.ac.ir

تبیین رابطه دو موضوع فقر و ناپایداری معیشت، یکی از مهم‌ترین مسائل در مبحث توسعه روستایی محسوب می‌شود. لذا رویکرد معیشت پایدار در دهه‌ی ۱۹۸۰، به‌عنوان یک رویکرد جدید در مبحث توسعه روستایی و با هدف کاهش فقر روستایی مطرح شد (شانازی و اعظمی، ۱۳۹۶). لازمه رسیدن به توسعه، توجه به روستاها به‌عنوان بخش پایه است، زیرا که عمده جمعیت فقرای جهان در مناطق و بافت‌های روستایی کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند و در این میان لزوم توجه به توسعه‌ی پایدار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، زیرا که توسعه‌ی پایدار به معنی تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بوده که هدف آن، کاهش فاصله رفاه افراد بدون آسیب رساندن به توانایی‌های نسل آینده برای برآوردن نیازهای‌شان است (مغنی دامغانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ق‌دیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۳؛ Ashish *et al.*, 2016; World Bank, 2008). یکی از مباحث اساسی در برنامه‌های توسعه، بهره‌برداری کارآمد از پتانسیل تمامی نیروی انسانی هر جامعه است. بهره‌برداری و مدیریت پایدار منابع طبیعی مستلزم مشارکت اقشار مختلف جامعه از جمله روستاییان و زنان روستایی است. نقش و تأثیر چشمگیر زنان در این رابطه به‌عنوان نیمی از جمعیت، غیر قابل انکار است (کرمی‌دهکردی و بابائی، ۱۳۹۷ و امینی و طاهری، ۱۳۹۵). زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند؛ آن‌ها دو سوم کار جهان را انجام می‌دهند و تنها از یک‌دهم درآمد جهان و یک‌صدم مالکیت دارایی‌های جهان برخوردارند (چرمچیان‌لنگرودی و علی‌بیگی، ۱۳۹۲). بر اساس گزارش بانک جهانی، زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه با وجود مشارکت در بسیاری از فعالیت‌های روستایی از جایگاه و مرتبه‌ی اجتماعی خاصی برخوردار نیستند (World Bank, 2012). با توجه به اینکه زنان روستایی هم در منزل و هم در بیرون از منزل مشغول انجام فعالیت می‌باشند، شایسته است سهم آنان به‌طور دقیق در تمامی فعالیت‌ها تعیین گردد (Hoque & Itohara, 2008; Dandona, 2015).

زنان در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با مردان سهم کمتری از بازار کار داشته و علاوه بر دستمزد کمتر، دسترسی کمتری به منابع دارند و از نفوذ چندانی در تصمیمات اقتصادی خانوار برخوردار نیستند. لذا با اتخاذ تدابیر و راهبردهای هوشمندانه در راستای توجه بیشتر به نقش زنان می‌توان به اصلاح شرایط موجود پرداخت. یکی از راه‌کارهایی که می‌تواند وضع موجود را اصلاح نماید، توانمندسازی زنان روستایی می‌باشد (فقیری و همکاران، ۱۳۹۳). از توانمندسازی می‌توان به‌عنوان یک ضرورت کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه نام برد که بسیاری از معایب توسعه را بر طرف کرده و به رشد و پیشرفت زنان کمک چشم‌گیری می‌نماید (Abdul Jamal *et al.*, 2016, Shahna & Leonhauser, 2004; Sangeetha *et al.*, 2016).

در سال‌های اخیر، مفهوم توانمندسازی بخش جدایی‌ناپذیر سیاست سازمان‌های غیردولتی و توسعه برای حمایت از توسعه‌ی روستایی و کشاورزی گردیده است (Ozbas & Tel, 2015). توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن است و این یعنی به افراد کمک شود تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشند و بر ناتوانی یا درماندگی خود چیره شوند. به همین منظور باید در افراد شور و شوق فعالیت ایجاد شود تا انگیزه‌های درونی خود را برای انجام امور، بکار گیرند (Blanchard, 2003).

توانمندسازی به‌عنوان امری ضروری جهت توانمند شدن افراد کم درآمد برای رسیدن به حقوق خود از طریق دستیابی و کنترل بر منابع طبیعی سازمان‌های موجود و تغییر یافته تعریف می‌شود. همچنین از توانمندسازی به‌عنوان فرآیندی که در آن افراد و گروه‌ها بر مسائل و مشکلاتی که با آن روبه‌رو هستند و قادر به کنترل این مسائل و مشکلات هستند، یاد می‌شود (کیمیائی، ۱۳۹۰). توانمندسازی، لحاظ کردن توان زنان در جهت افزایش اتکا به خود و قدرت درونی تعریف می‌شود و هدف آن توانمندسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در درون خانواده و جامعه است (چرمچیان‌لنگرودی و علی‌بیگی، ۱۳۹۲).

تأکید بر توانمندسازی زنان، نه‌تنها به دلایل انسان دوستانه و عدالت جنسیتی بلکه به دلیل اهداف توسعه‌ای و نقشی که در ارتقاء بهره‌وری و رشد اقتصادی جوامع دارد صورت گرفته و زنان به‌عنوان عاملان توسعه قلمداد شده‌اند. توانمندسازی زنان شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود. در نتیجه توانمندسازی زنان مستلزم برخورداری جامع‌تر و عمیق‌تر برداشتن موانع و تحول در کلیه نهادهایی است که زنان را از به دست آوردن توانمندی خود باز می‌دارند. توانمندسازی از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است که از مهم‌ترین این دیدگاه‌ها توانمندسازی روان‌شناختی می‌باشد (رضائی‌جندانی و همکاران، ۱۳۹۴ و شکوری و همکاران، ۱۳۸۶). شهرستان سلماس با جمعیتی بالغ بر ۱۹۶۵۴۶ نفر یکی از شهرستان‌های

شمالی استان آذربایجان غربی می‌باشد. جمعیت روستایی این شهرستان ۹۵۱۰۶ نفر می‌باشد، تعداد زنان روستایی این شهرستان ۴۶۴۳۳ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در شهرستان سلماس به دلیل اینکه این شهرستان در منطقه‌ای مرزی و محروم واقع شده است، قشر زنان که تشکیل‌دهنده‌ی نیمی از افراد جامعه هستند در مسائل و زمینه‌های مختلف توسعه‌ای، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و برای مشارکت زنان روستایی منطقه در تمامی زمینه‌ها هیچ‌گونه طرح و برنامه‌ای از طرف ارگان‌ها و نهادهای مرتبط ارائه نشده است. بنابراین، در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی، مشارکت زنان در سطح تصمیم‌گیری باید مورد توجه قرار گیرد و مسأله‌ای که در این زمینه وجود دارد این است که وضعیت زنان روستایی از نظر رابطه بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی در شهرستان سلماس تبیین نشده است. لذا این تحقیق با هدف تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان سلماس انجام شد. این مقاله سعی بر آن دارد تا مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان روستایی شهرستان سلماس را به‌طور ویژه مورد بررسی قرار دهد زیرا این مؤلفه‌ها می‌توانند نقش بارزی بر توانمندسازی آنان داشته باشد. در این مقاله، مشخص نمودن میزان سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی خود به‌عنوان یک نوآوری محسوب می‌شود. از طرفی دیگر، محققان با بهره‌گیری از روش‌شناسی مدل‌سازی معادلات ساختاری قصد دارند مدل تجربی را به ادبیات موضوع اضافه نمایند تا به‌عنوان الگویی برای مطالعات آتی قرار بگیرد و از طرفی دیگر نتایج حاصل از آن مورد توجه و استفاده سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مسئولان امور زنان و دستگاه‌های اجرایی مانند سازمان جهاد کشاورزی واقع شود. به همین منظور ابتدا مبانی نظری دو متغیر اصلی مورد مطالعه در این تحقیق بیان می‌شود و سپس نتایج برخی از مطالعات صورت گرفته در این زمینه ارائه خواهد شد.

توانمندسازی ابعاد مختلفی دارد که یکی از این ابعاد، توانمندسازی روان‌شناختی می‌باشد. توماس و ولتوس (Thomas & Velthouse, 1990) توانمندسازی روان‌شناختی را مفهومی چند بعدی دانسته و آن را به‌عنوان فرآیند انگیزش درونی در انجام وظیفه تعریف کرده‌اند (Borghesi et al., 2010). اسپریتزر (Spritzer, 1995) یکی از صاحب‌نظران مشهور در زمینه‌ی توانمندسازی از چهار مؤلفه برای سنجش توانمندسازی استفاده کرده است. بر اساس نظریه‌ی اسپریتزر توانمندسازی روان‌شناختی یک مفهوم انگیزشی است که شامل چهار بعد احساس شایستگی، احساس آزادی عمل (خود تعیینی)، احساس معنی‌دار بودن و احساس مؤثر بودن می‌باشد؛ که این ابعاد انعکاس دهنده ادراکات فرد نسبت به نقش خویش در شغل و سازمان می‌باشد. می‌شرا (Mishra) نیز مؤلفه اعتماد را به ابعاد چهارگانه اضافه نمود که در مطالعات مختلف از این پنج مؤلفه برای سنجش توانمندسازی روان‌شناختی استفاده شده است (چرمچیان لنگرودی و علی بیگی، ۱۳۹۲، اعظمی و همکاران، ۱۳۹۵ و Meng et al., 2016; Spreitzer, 1995). شایستگی به آن معنا است که افراد اعتقاد دارند که مهارت توانایی لازم برای انجام کارهای خود را دارند. معنی‌داری به معنای با ارزش بودن کاری که توسط افراد توانمند شده انجام می‌شود، تعریف شده است. خود تعیینی به معنی احساس آزادی افراد در مورد چگونگی انجام کارهای خود می‌باشد. تأثیر به معنای آن است که به افراد اجازه داده شود تا اینکه تأثیر واقعی بر محیط اطراف خود داشته باشند و نیز به آن‌ها در رابطه با اینکه تصمیم‌هایشان لحاظ شود، اطمینان داده شود. اعتماد به معنی آن است که افراد احساس کنند با آن‌ها منصفانه و یکسان برخورد خواهد شد (چرمچیان لنگرودی و علی بیگی، ۱۳۹۲، اعظمی و همکاران، ۱۳۹۵ و Spreitzer, 1995).

انسان به‌طور ذاتی در تعامل و تقابل با دیگران، نیازهای خود را بر طرف می‌سازد و زندگی خود را می‌گذراند. اثرات این کنش‌ها و نقش آن‌ها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیرممکن می‌سازد. سرمایه‌ی اجتماعی در قالب شبکه‌های حمایتی غیررسمی نقش مؤثری در مدیریت ریسک و آسیب‌پذیری اجتماعی ایفا می‌کند و زنان را در مقابله با فقر مجهزتر می‌سازد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از روابط و پیوندهای تعیین کننده اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعامل افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی با یکدیگر است که شامل برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی می‌باشد. با وجود تعاریف گوناگون، سرمایه اجتماعی را در کل به‌عنوان درجه‌ای از انسجام اجتماعی، تعاملات، اعتماد، ارتباطات متقابل دو طرفه، ادراک و احساس تعهد متقابل میان اعضای یک گروه می‌دانند (ریماز و همکاران، ۱۳۹۴). مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، به‌عنوان منبعی که ممکن است افراد، گروه‌ها

و جوامع برای رسیدن به نتایج مطلوب آن را به کار گیرند، قلمداد می‌شود. بنابراین سرمایه اجتماعی، میراثی است که روابط اجتماعی و تعامل میان افراد را تسهیل می‌کند (قیومی و همکاران، ۱۳۹۳).

بحث در مورد سرمایه اجتماعی توسط لیدا هانیفان (Lyda Hanifan) در سال ۱۹۱۶ آغاز شد، وی بیان داشت که سرمایه اجتماعی نه تنها دارایی ارزشمند برای افزایش سطح زندگی است بلکه یک روش افزایش سطح رفاه اجتماعی در کل جامعه می‌باشد (Seunghwan & Hyungjun, 2016). سرمایه اجتماعی نسبت به دیگر شکل‌های سرمایه، ناملموس بوده و در روابط غیررسمی میان افراد و اعضاء مستتر است. در صورتی که بتوان سرمایه اجتماعی را تقویت کرد، توانمندسازی نیز بهبود می‌یابد (کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۰). ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اولین بار به‌وسیله بانک جهانی به‌طور مشخص بیان گردید. در گزارش بانک جهانی، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از ستون‌های فرایند توانمندسازی معرفی شده است (چرمچیان‌لنگرودی، ۱۳۹۵). به گفته پورتس و لندانت (Ports & Lendant) یکی از مشکلاتی که در مورد مفهوم سرمایه اجتماعی وجود دارد، فقدان تعریفی واحد و جامع می‌باشد. هر چند که در هر رشته از علوم اجتماعی و توسط هر یک از صاحب‌نظران تعریف ویژه‌ای از سرمایه اجتماعی ارائه شده است، ولی آنچه در همه تعاریف مشترک است عبارت از توانایی اکتساب منافع به‌واسطه عضویت در شبکه‌های اجتماعی و یا ساختارهای اجتماعی بزرگ است (پورتس و لندانت، ۱۳۸۲؛ Beyramzadegan & Rasouli Azad., 2015). به‌طور کلی سرمایه اجتماعی از سه بعد اصلی تشکیل شده است:

۱- انسجام اجتماعی: به‌نوعی از ترتیبات اجتماعی گفته می‌شود که تضمین می‌کند افراد، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف، به اشتراک ذهنی برسند، قابلیت همکاری با یکدیگر را دارا باشند، به قوانین موجود احترام گذاشته و از امکانات جامعه استفاده کنند و در مقابل، توانایی‌های خویش را بر اساس هوش‌ها و توانمندی‌های چندگانه بازشناسی نموده و پرورش دهند تا از این طریق، ظرفیت‌ها و توانایی‌های جامعه توسعه یابد (زبیری و کریمی‌موغاری، ۱۳۹۳).

۲- مشارکت اجتماعی: فرآیندی است که در برگیرنده‌ی انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی است (موسوی، ۱۳۸۶).

۳- اعتماد اجتماعی: به معنای پذیرش خطر مواجهه و ارتباط با دیگران است، با این تصور که آن‌ها چنان که انتظار می‌رود رفتار خواهند کرد، یا اینکه در پی آزار و اذیت نخواهند بود. اعتماد از گذشته تا حال در جوامع انسانی نقش بسزایی داشته ولی در دوران کنونی بر نقش و اهمیت آن افزوده شده است (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۹).

در ادامه، نتایج برخی از مطالعات صورت گرفته، ارائه شده است. حیدری‌ساربان (۱۳۹۷) در مطالعه خود نتیجه گرفت که به‌جز مؤلفه‌های تعاون اجتماعی و تضاد اجتماعی، بین تمامی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با توانمندسازی زنان روستایی مشکین‌شهر رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره توانمندسازی زنان روستایی نشان داد که متغیرهای مستقل مشارکت اجتماعی، میزان آگاهی، اعتماد به نهادها، میزان اطلاعات با خارج از اجتماع، اعتماد بین شخصی، اعتماد به غریبه‌ها، روابط رسمی و میزان تعامل با اعضا اجتماع قادرند ۰/۹۳ درصد از تغییرات در متغیر وابسته یعنی توانمندسازی زنان روستایی را تبیین کنند. بورقانی‌فراهانی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌ی اجتماعی به‌طور غیرمستقیم به‌واسطه‌ی توانمندسازی روان‌شناختی کارکنان و ارتقاء کیفیت زندگی کاری آنان، موجبات بروز هرچه بیشتر رفتار شهروندی سازمانی را فراهم می‌آورد. مهاجرامینی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند بین عوامل روان‌شناختی و اجتماعی (عزت‌نفس و استقلال فکری) با توانمندسازی زنان روستایی سرپرست خانوار ارتباط وجود دارد. جلیلیان و سعدی (۱۳۹۴) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که ۵۶/۵ درصد زنان مطالعه شده، توانمندی روان‌شناختی بالایی دارند. داشتن مالکیت و اعتماد به نفس از قوی‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی-اجتماعی توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی می‌باشد. دعایی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به این نتیجه اشاره نموده‌اند که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن از طریق توانمندسازی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر روی کیفیت زندگی کارکنان دارد. نتایج پژوهش قیصری و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که اعضای تعاونی‌های تولید روستایی، توانمندی روان‌شناختی مناسبی داشته که با افزایش روحیه استقلال، عزت‌نفس، اعتماد به دیگران و شایستگی‌های خود توانمندی‌شان ارتقاء می‌یابد. یافته‌های تحقیق کشاورزی و همکاران (۱۳۹۰) حاکی از

آن است که بین ابعاد ساختاری، شناختی و رابطه‌ای سرمایه اجتماعی با توانمندسازی روان‌شناختی کارکنان همبستگی وجود دارد که بیشترین همبستگی مربوط به بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی با توانمندسازی روان‌شناختی بود. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت تقویت سرمایه اجتماعی به‌طور مستقیم منجر به بهبود عملکرد سازمانی در سازمان جهاد کشاورزی می‌شود. سونگون و هیونگجون (Seunghwan & Hyungjun, 2016) در پژوهش خود با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی رابطه منفی با سطح اعتماد به دولت دارد. علاوه بر این، در این مطالعه، واریانس ادراکات هر گروه بر اساس میزان انسجام اجتماعی در سطح اعتماد به دولت با استفاده از ANOVA مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری در پیوند دادن گروه‌های اجتماعی وجود ندارد. نتایج پژوهش قشقای‌زاده و همکاران (Ghashghaeizadeh et al., 2015) نشان داد که بین سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن با توانمندسازی روان‌شناختی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج رگرسیون این تحقیق نشان داد که تغییرات توانمندسازی روان‌شناختی از طریق سرمایه اجتماعی تبیین می‌شود. وانگ و ژانگ (Wang & Zhang, 2012) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که توانمندسازی روان‌شناختی بر عملکرد کاری افراد تأثیر مستقیم و مثبتی دارد. نتایج مطالعات میترا و کوندو (Mitra & Kundu., 2012) نشان دهنده‌ی این موضوع بود که سطح توانمندی روستاییان مورد پژوهش در ابعاد مختلف به‌ویژه اقتصادی و روان‌شناختی پایین بود. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، کمیت و کیفیت تعامل میان افراد و اعتماد روستاییان به یکدیگر از تأثیر درخور توجهی بر آنان برخوردار بود. آبراهام (Abraham, 2011) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که اجزای اصلی اندازه‌گیری توانمندی اجتماعی کشاورزان، قدرت تصمیم‌گیری و سابقه شغلی است و اعضای فعال گروه‌های خودیار کشاورزان، بیشتر توانمند هستند. مطالعات بینجن (Beingen, 2010) تبیین‌کننده‌ی این واقعیت است که بین ارتقای شاخص‌های سرمایه اجتماعی با ارتقای مؤلفه‌های خودتعیینی، شایستگی، تأثیر، معنی‌داری و اعتماد رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. فردو و همکاران (Fredu et al., 2009) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌ی اجتماعی یک عامل مهم در توانمندسازی به شمار می‌رود. همچنین بر اساس نتایج مشخص شد که بین رابطه‌ی سرمایه اجتماعی در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد. مطالعات رام (Ram, 2009) حاکی از آن است که توانمندسازی زنان روستایی موجب تعهد کاری را در وجود آنان سبب می‌شود به این دلیل که بعد از فرآیند توانمندسازی، خوداندیشی زنان بالا رفته و به تبع آن زنان با انگیزه‌ی مضاعف در راستای پیدا کردن راه حل جهت رفع مشکلات پیش‌روی خود قدم برمی‌دارند. صمد (Samad, 2007) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که مفهوم توانمندسازی روان‌شناختی با زمینه‌های سرمایه‌ی اجتماعی مرتبط است. نتایج پژوهش بهاراتاما (Bharathmma, 2005) حاکی از آن است که بین مشارکت اجتماعی با توانمندسازی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. آچاریا و همکاران (Acharya et al., 2005) معتقد هستند که شرایط اصلی توانمندسازی زنان روستایی در افزایش سطح آگاهی آنان و رهایی از محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه زنان مؤثر است. جاک (Jacek, 2005) در یافته‌های خود به این نتیجه رسید که بین اعتماد زنان به نهادها و مشارکت اجتماعی آنان با توسعه دانش، نگرش و مهارت آنان رابطه مستقیم وجود دارد. با توجه به آنچه گفته شد فرضیات اصلی و فرعی این تحقیق مطابق با چارچوب مفهومی ارائه شده در نگاره ۱ به‌صورت زیر قابل طرح می‌باشند:

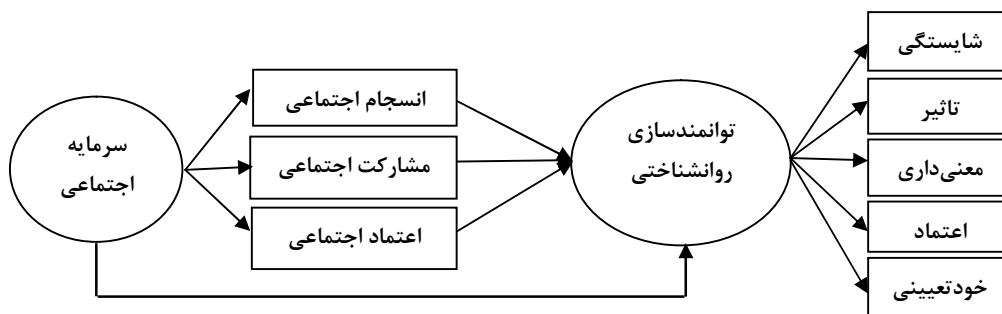
فرضیه اصلی تحقیق: بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی تحقیق: ۱) بین انسجام اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۲) بین مشارکت اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۳) بین اعتماد اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

در این مطالعه جهت تدوین چارچوب مفهومی تحقیق همان‌طور که از نام آن پیداست از فرآیند مفهوم‌سازی (Conceptualization) استفاده شده است. برای ترسیم روابط موجود در چارچوب مفهومی از مرور ادبیات منابع و مطالعات مختلف مرتبط با موضوع بهره گرفته شد. به همین منظور برای سنجش سرمایه اجتماعی در میان زنان روستایی در این تحقیق از ابعاد انسجام، مشارکت و اعتماد اجتماعی استفاده شد (رضائی و زارعی، ۱۳۹۳، ده‌حقی و همکاران، ۱۳۹۳ و رستمی و همکاران، ۱۳۹۲). جهت سنجش توانمندسازی روان‌شناختی از شاخص‌های ارائه شده توسط اسپریتزر (Spritzer, 1995) و میشر (Mishra, 1996) شامل شایستگی

تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روانشناختی زنان...

(Competence)، تأثیر (Impact)، خود تعیینی (Self-determination)، معنی داری (Meaning) و اعتماد (Confidence) استفاده شد. همچنین برای ترسیم روابط موجود بین متغیرها از مطالعه حیدری ساربان و همکاران (۱۳۹۵) بهره گرفته شد (نگاره ۱).



نگاره ۱- مدل مفهومی تحقیق

روش پژوهش

تحقیق حاضر دارای ماهیت کمی است که از نظر هدف، جزء تحقیقات کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، جزء تحقیقات توصیفی - همبستگی به شمار می‌رود. جامعه آماری این تحقیق را زنان روستایی بالای ۱۵ سال شهرستان سلماس تشکیل دادند که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ تعداد آن‌ها ۳۱۹۹۶ نفر به دست آمد. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۳۸۲ نفر برآورد شد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. شهرستان سلماس دارای دو بخش مرکزی و کوهسار می‌باشد که بخش کوهسار شامل سه دهستان چهریق، شناتال و شیران با ۴۱ روستا و بخش مرکزی شامل چهار دهستان زولاچای، کره‌سنی، کناربروژ و لکستان با ۶۹ روستا می‌باشد. در مرحله اول از میان هفت دهستان این شهرستان، به‌صورت تصادفی چهار دهستان به‌عنوان خوشه‌های آماری انتخاب شد. در مرحله دوم، از هر دهستان (خوشه مرحله اول)، به‌صورت تصادفی پنج روستا (هر روستا به‌عنوان یک خوشه در مرحله دوم) انتخاب گردید و در مرحله سوم، نمونه‌ها به‌صورت متناسب از هر روستا به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، پرسشنامه بود که از سه بخش مشخصه‌های فردی و حرفه‌ای زنان روستایی، سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی تشکیل شد. برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی از مطالعات رستمی و همکاران (۱۳۹۲)، رضائی و زارعی (۱۳۹۳) و ده‌حقی و همکاران (۱۳۹۳) و برای سنجش توانمندسازی روان‌شناختی از مطالعه چرمچیان لنگرودی و علی‌بیگی (۱۳۹۲) بهره گرفته شد. روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه با نظر کارشناسان و متخصصان در زمینه‌ی موضوع مورد پژوهش، مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی ابزار تحقیق، پیش‌آزمون میان ۳۰ نفر از اهالی روستای کلشان انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس‌های اصلی پرسشنامه در حد مناسب بود (جدول ۱). پس از برازش مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی برای بررسی روایی منطقی، از ضرایب همبستگی بین متغیرهای پنهان استفاده شد که معنی‌دار بودن ضرایب همبستگی حاکی از وجود روایی منطقی بین متغیرهای پنهان مطالعه بود. همچنین برای هر یک از مؤلفه‌های متغیرهای پنهان (مکنون) مقدار پایایی ترکیبی (CR) محاسبه شد که مقدار به دست آمده در حد مطلوب (بزرگتر از ۰/۷) بود. پرسشنامه‌ها به‌صورت دستی و مصاحبه حضوری توسط محققان، توزیع و جمع‌آوری شد و در نهایت ۳۴۲ پرسشنامه با نرخ بازگشت‌پذیری حدود ۹۰ درصد جمع‌آوری شد. داده‌های گردآوری شده از طریق نرم‌افزارهای SPSS و AMOS تجزیه و تحلیل شدند. در بخش آمار توصیفی، برای توصیف فراوانی پاسخ‌های افراد مورد مطالعه در رابطه با هر یک از متغیرهای تحقیق، از روش فاصله انحراف معیار از میانگین (Interval Standard Deviation from Mean) استفاده شد. طبق این فرمول، پاسخ‌های افراد با توجه به طیف لیکرت بر حسب سطوح پایین، متوسط و بالا به‌صورت زیر دسته‌بندی شد (Gangadharappa et al., 2007):

سطح پایین = Mean - Sd A

سطح متوسط = Mean + Sd B Mean - Sd

سطح بالا = Mean + Sd C

جدول ۱- بخش‌های مختلف پرسشنامه به همراه تعداد گویه‌ها و مقدار آلفای کرونباخ

بخش	زیر بخش	تعداد سؤال‌ها	مقیاس سنجش	مقدار آلفای کرونباخ
ویژگی‌های جمعیت شناختی	-	۴	بر اساس مقیاس‌های اسمی و نسبی	-
	انسجام	۵		۰/۷۴
	مشارکت	۶		۰/۷۵
	اعتماد	۶		۰/۶۹
	شایستگی	۶	طیف لیکرت ۵ سطحی	۰/۷۷
	تأثیر	۵	(خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵)	۰/۷۱
توانمندسازی روان‌شناختی	معنی‌داری	۶		۰/۸۲
	اعتماد به نفس	۵		۰/۷۴
	خود تعیینی	۶		۰/۷۷

یافته‌ها و بحث

توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی زنان روستایی مورد مطالعه

بر اساس یافته‌های به دست آمده، سن ۸/۵ درصد (۲۹ نفر) از پاسخ‌گویان کمتر از ۲۰ سال، ۵۲ درصد (۱۷۸ نفر) بین ۲۱ تا ۴۰ سال، ۳۲/۵ درصد (۱۱۱ نفر) بین ۴۱ تا ۶۰ سال و ۷ درصد (۲۴ نفر) بالاتر از ۷۰ سال بودند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۹/۱۹ سال بود که جوان‌ترین پاسخگو ۱۵ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۷۸ سال سن داشت. از لحاظ وضعیت اشتغال، پاسخ‌گویان در چهار سطح (خانه‌دار، بیکار، کشاورز/ دامدار و سایر) تقسیم‌بندی شدند که ۵۲/۳ درصد (۱۷۹ نفر) آن‌ها را خانه‌دار، ۷/۹ درصد (۲۷ نفر) را بیکار، ۲۵/۱ درصد (۸۶ نفر) را زنان کشاورز و دامدار و ۱۴/۷ درصد (۵۰ نفر) را سایر مشاغل تشکیل دادند. میزان تحصیلات پاسخ‌گویان در چهار سطح (بی‌سواد، زیر دیپلم، دیپلم و کاردانی و بالاتر) مورد بررسی قرار گرفت که ۱۹/۳ درصد (۶۶ نفر) از پاسخ‌دهندگان بی‌سواد، ۴۷/۱ درصد (۱۶۱ نفر) دارای سطح سواد زیر دیپلم، ۱۷/۰ درصد (۵۸ نفر) دارای سطح سواد دیپلم و ۱۶/۷ درصد (۵۷ نفر) دارای سطح سواد کاردانی و بالاتر بودند. از میان پاسخ‌گویان فقط ۱۲/۰ درصد (۴۱ نفر) در تشکلهای یا تعاونی‌های زنان روستایی عضو بودند.

توصیف سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی پاسخ‌گویان بر اساس شاخص ISDM

نتایج حاصل از سطح‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی بر اساس شاخص تفاوت انحراف معیار از میانگین، در سه سطح بالا، متوسط و پایین در جدول ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد بیشترین فراوانی در مورد سه مؤلفه سرمایه اجتماعی و پنج مؤلفه توانمندسازی روان‌شناختی در سطح متوسط به دست آمد.

جدول ۲- نتایج به دست آمده از سطح‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی

متغیر	مؤلفه	پایین		متوسط		زیاد
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
سرمایه اجتماعی	انسجام	۱۵۴	۴۵	۱۶۶	۴۸/۵	۲۲
	مشارکت	۱۳۸	۴۰/۴	۱۸۰	۵۲/۶	۲۴
	اعتماد	۶۴	۱۸/۷	۲۳۱	۶۷/۵	۴۷
توانمندسازی روان‌شناختی	شایستگی	۷۵	۲۱/۹	۱۹۳	۵۶/۴	۷۴
	تأثیر	۳۷	۱۰/۸	۱۹۱	۵۵/۸	۱۱۴
	معنی‌داری	۶۲	۱۸/۱	۱۶۶	۴۸/۵	۱۱۴
توانمندسازی روان‌شناختی	اعتماد	۷۰	۲۰/۵	۱۸۵	۵۴/۱	۸۷
	خود تعیینی	۶۰	۱۷/۵	۲۲۲	۶۴/۹	۶۰

تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روانشناختی زنان...

نتایج مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه تحقیق

الف) مدل اندازه‌گیری توانمندسازی روان‌شناختی

به‌منظور برآورد مدل اندازه‌گیری توانمندسازی روان‌شناختی از تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار AMOS استفاده شد. نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تأییدی در جدول‌های ۳ و ۴ آمده است. به‌منظور رسیدن به برازش مطلوب در مدل اندازه‌گیری توانمندسازی روان‌شناختی، نشانگرهای آشکار هر مؤلفه که بار عاملی کمتر از ۰/۵ داشتند، حذف شدند. به‌طوری‌که از هر یک از مؤلفه‌های شایستگی، تأثیر و اعتماد دو نشانگر، از مؤلفه معنی‌داری سه نشانگر و از مؤلفه خود تعیننی یک نشانگر حذف شدند. پس از حذف این نشانگرها، مدل اندازه‌گیری توانمندسازی روان‌شناختی به لحاظ شاخص‌های برازش ذکر شده در جدول ۳ از وضعیت مطلوب برخوردار شد. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد میانگین مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی بیش از سطح متوسط به دست آمد. پس از دستیابی به برازش مطلوب در مدل اندازه‌گیری توانمندسازی روان‌شناختی، مقدار پایایی ترکیبی و همچنین همبستگی بین مؤلفه‌های این متغیر محاسبه شد که مطابق با نتایج به دست آمده در جدول ۴ می‌توان گفت همه مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی از پایایی قابل قبولی (بزرگتر از ۰/۷) برخوردار بودند و از آنجایی که بین همه مؤلفه‌های این سازه، همبستگی معنی‌داری در سطح خطای یک درصد وجود داشت، در نتیجه ابزار تحقیق از روایی منطقی برخوردار بود (جدول ۴).

جدول ۳ - خلاصه نتایج به دست آمده از مدل اندازه‌گیری توانمندسازی روان‌شناختی

مؤلفه	نشانگر	بار عاملی	مقدار غیراستاندارد	خطای استاندارد	مقدار t
شایستگی	انجام کارها بر اساس میل و خواسته خودم می‌باشد.	۰/۷۷	۱	-	-
	برنامه مشخص و حساب شده برای آینده خود دارم.	۰/۷۴	۰/۸۱	۰/۰۶۱	۱۳/۴۶
	روش‌های نوین را سریع می‌پذیرم.	۰/۷۵	۰/۸۸	۰/۰۶۷	۱۳/۲۸
تأثیر	توانایی به‌کارگیری روش‌های نوین و خلاق را دارم.	۰/۶۰	۰/۶۵	۰/۰۶۴	۱۰/۲۰
	ضرورت همکاری زن و مرد در اداره امور خانواده را درک می‌کنم.	۰/۷۰	۱	-	-
	اعتقاد به درآمدزایی زنان همانند مردان دارم.	۰/۶۶	۰/۹۹	۰/۱۰	۱۰/۰۲
معنی‌داری	در کارهای خودم ابتکار عمل دارم.	۰/۶۵	۰/۸۶	۰/۰۹	۹/۳۲
	استفاده از نظرات دیگران در تصمیم‌گیری برای من مهم است.	۰/۶۹	۱	-	-
	جهت انجام بهتر کارها معتقد به یادگرفتن مطالب جدید از دیگران هستم.	۰/۶۳	۰/۹۳	۰/۱۱	۸/۸۰
اعتماد	در دوره‌های آموزشی برای زنان روستایی شرکت می‌کنم.	۰/۶۶	۰/۷۷	۰/۱۰	۷/۶۵
	دارای نگرش مثبت در تمامی زمینه‌ها می‌باشم.	۰/۶۵	۱	-	-
	به کارشناسان اعتماد دارم.	۰/۵۹	۰/۹۲	۰/۱۲	۷/۵۹
خود تعیننی	معتقد به انجام دادن بهتر کارها به‌صورت گروهی می‌باشم.	۰/۷۶	۱/۴۲	۰/۱۷	۸/۳۳
	در خانواده نقش رهبر را دارم.	۰/۵۳	۱	-	-
	توانایی راهنمایی دیگران را دارم.	۰/۶۹	۱/۲۲	۰/۱۵	۸/۳۶
	می‌توانم برای خود و خانواده‌ی خود آینده روشنی را ترسیم نمایم.	۰/۶۴	۱/۱۷	۰/۱۴	۸/۲۱
	در انجام کارها اختیار کامل دارم.	۰/۶۶	۱/۲۴	۰/۱۵	۸/۱۸
	توانایی پیدا کردن راه‌حل برای مشکلات تازه خود را دارم.	۰/۶۷	۱/۲۴	۰/۱۵	۸/۰۹
شاخص‌های برازش مدل: $\chi^2/df=2/361$ IFI=۰/۹۱۶ GFI=۰/۹۱۴ CFI=۰/۹۱۵ RMR=۰/۰۶۰ RMSEA=۰/۰۶۳					

جدول ۴- میانگین، انحراف معیار، پایایی ترکیبی و روایی بین متغیرهای توانمندسازی روان‌شناختی

مکنون	میانگین	انحراف معیار	پایایی ترکیبی	ضرایب همبستگی بین مکنون‌ها		
				شایستگی	تأثیر	معنی‌داری
شایستگی	۳/۲۱	۰/۸۱	۰/۸۱۰	۱		
تأثیر	۳/۴۷	۰/۷۷	۰/۷۱	۰/۶۶۳**	۱	
معنی‌داری	۳/۴۵	۰/۸۶	۰/۷۰	۰/۷۲۵**	۰/۸۳۱**	۱
اعتماد	۳/۲۳	۰/۸۴	۰/۷۱	۰/۷۶۸**	۰/۶۶۹**	۰/۷۷۹**
خود تعیننی	۳/۲۲	۰/۷۶	۰/۷۷۰	۰/۷۱۴**	۰/۶۲۷**	۰/۶۹۵**
						۰/

** معنی‌داری در سطح خطای یک درصد

ب) مدل اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تأییدی متغیر سرمایه اجتماعی در جدول‌های ۵ و ۶ آمده است. به‌منظور رسیدن به برازش مطلوب در مدل اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، نشانگرهای آشکار هر مؤلفه که بار عاملی کمتر از ۰/۵ داشتند حذف شدند؛ به طوری که از هر یک از مؤلفه‌های انسجام و مشارکت اجتماعی دو نشانگر و از مؤلفه اعتماد اجتماعی سه نشانگر حذف شدند. پس از حذف این نشانگرها، مدل اندازه‌گیری توانمندسازی روان‌شناختی به لحاظ شاخص‌های برازش ذکر شده در جدول ۵ از وضعیت مطلوب برخوردار شد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد میانگین مؤلفه‌های انسجام و مشارکت اجتماعی، پایین‌تر از سطح متوسط و میانگین مؤلفه اعتماد اجتماعی، بالاتر از سطح متوسط به دست آمد. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۶ می‌توان گفت همه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از پایایی قابل قبولی (بزرگتر از ۰/۷) برخوردار بودند و از آنجایی که بین همه مؤلفه‌های این سازه، همبستگی معنی‌داری در سطح خطای یک درصد وجود داشت در نتیجه ابزار تحقیق از روایی منطقی برخوردار بود (جدول ۶).

جدول ۵ - خلاصه نتایج به دست آمده از مدل اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

مؤلفه	نشانگر	بار عاملی	مقدار غیراستاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی
انسجام	حاضرم با افرادی از ادیان یا مذاهب دیگر زندگی کنم.	۰/۷۷	۱/۰۰	-	-
	حاضرم با افرادی از قومیت‌ها و زبان‌های مختلف زندگی کنم.	۰/۸۲	۱/۰۲	۰/۰۸۷	۱۱/۷۱
	از معاشرت با افرادی با آداب و رسوم مختلف در زندگی لذت می‌برم.	۰/۵۳	۰/۶۸	۰/۰۷۷	۸/۸۰
مشارکت	در تشکلی‌ها و بنیادهای خیریه و مساعدت به نیازمندان روستا در حد توان مشارکت دارم.	۰/۶۵	۱/۰۰	-	-
	در ساخت بناهای عمومی (مسجد و مدرسه و...) روستا در حد توان مشارکت دارم.	۰/۶۰	۰/۸۹	۰/۱۱	۷/۸۱
	در کلاس‌های آموزشی و ترویجی شرکت می‌کنم.	۰/۷۰	۱/۱۷	۰/۱۲	۹/۷۳
	اگر در سطح روستا طرح‌های توسعه‌ای انجام شود در این طرح‌ها، در حد توان مشارکت دارم.	۰/۶۵	۱/۰۲	۰/۱۳	۷/۹۹
اعتماد	به اعضای خانواده و اقوام خودم اعتماد دارم.	۰/۶۲	۱	-	-
	به شورای اسلامی روستایمان اعتماد دارم.	۰/۶۶	۱/۰۲	۰/۱۹	۵/۲۸
	هنگام لزوم به همسایگان اعتماد می‌کنم و از آن‌ها کمک می‌گیرم.	۰/۷۲	۱/۱۶۷	۰/۲۲	۵/۳۸

شاخص‌های برازش مدل: $x^2/df=۳/۲۹$ IFI=۰/۹۱۱ GFI=۰/۹۴۳ CFI=۰/۹۰۹ RMR=۰/۰۸۲ RMSEA=۰/۰۸۲

تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روانشناختی زنان...

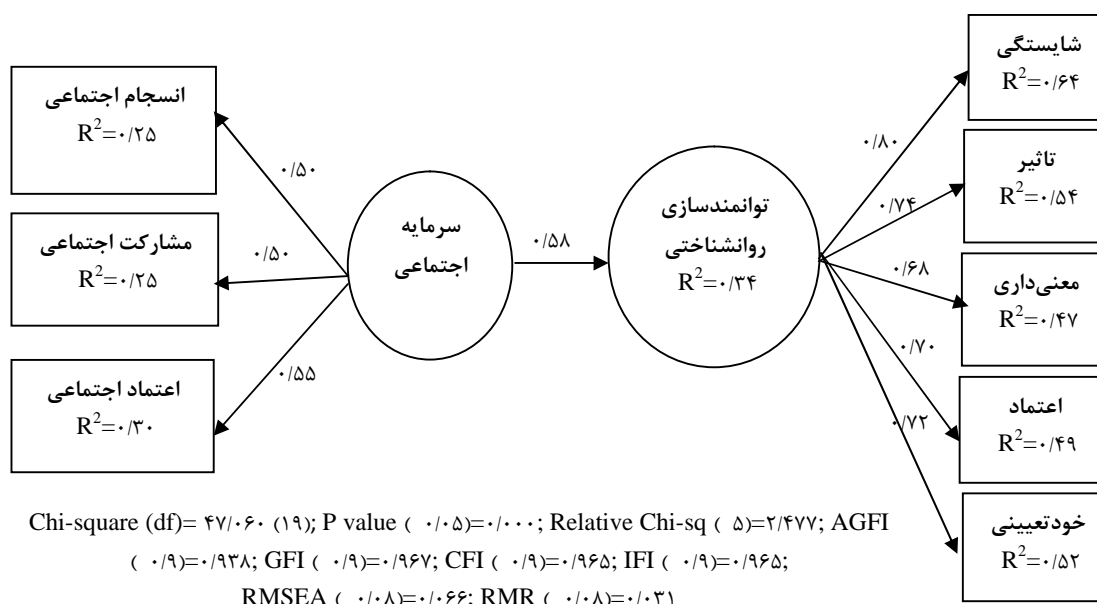
جدول ۶- میانگین، انحراف معیار، پایایی ترکیبی و روایی بین متغیرهای توانمندسازی روان‌شناختی

مکنون	میانگین	انحراف معیار	پایایی ترکیبی	ضرایب همبستگی بین مکنون‌ها		
				انسجام	مشارکت	اعتماد
انسجام	۲/۷۵	۰/۸۶	۰/۷۵۶	۱		
مشارکت	۲/۷۹	۰/۹۰	۰/۷۴۶	۰/۳۴۱**	۱	
اعتماد	۳/۳۰	۰/۷۵	۰/۷۰۷	۰/۲۳۷**	۰/۲۴۲**	۱

** معنی‌داری در سطح خطای یک درصد

تحلیل اثرهای سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن بر توانمندسازی روان‌شناختی

به‌منظور آزمون فرضیه تحقیق، پس از برآورد مدل‌های اندازه‌گیری و دستیابی برازش مطلوب آن‌ها، مدل ساختاری تحقیق اجرا و برآورد شد و اصلاحات مورد نیاز بر روی آن صورت گرفت. مقادیر شاخص‌های برازش در نگاره ۲ نشان می‌دهد مدل ساختاری از برازش مطلوبی برخوردار است. نتایج به دست آمده در جدول ۷ نشان می‌دهد رابطه مثبت و معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی در سطح خطای یک درصد وجود دارد (تأیید فرضیه اصلی تحقیق)؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت سرمایه اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه بر روی توانمندسازی روان‌شناختی آن‌ها تأثیر دارد. به طوری که متغیر سرمایه اجتماعی ۳۴ درصد از واریانس توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان سلماس را تبیین نمود (نگاره ۲). هرچه قدر سرمایه اجتماعی افزایش یابد به همان میزان توانمندی زنان و توانایی آنان در برخورد با آسیب‌های اجتماعی بیشتر خواهد شد. نتایج این تحقیق با یافته‌های کشاورزی و همکاران (۱۳۹۰) و چرمچیان‌لنگرودی (۲۳۹۵)، همخوانی داشت. اعظمی و همکاران (۱۳۹۵) معتقدند که سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان روستایی را از سه طریق افزایش درآمد از طریق فعالیت‌های اعضای در گروه‌های محلی، کنترل درآمد و گسترش فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کند.

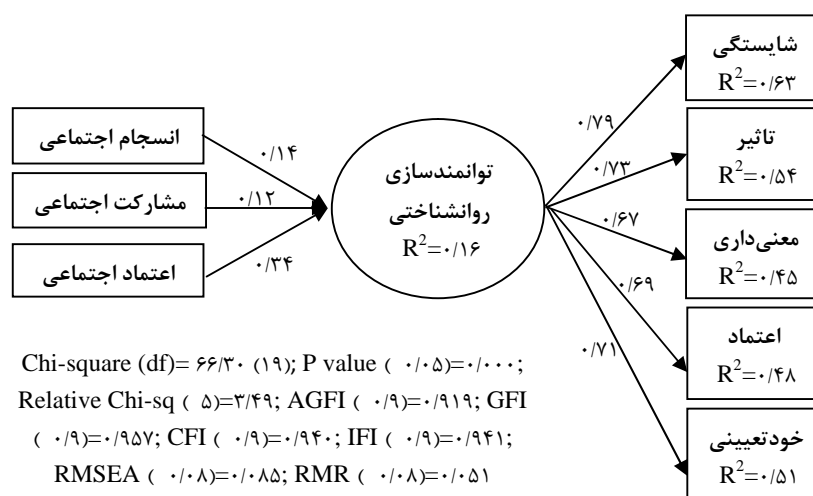


نگاره ۲- مدل تحلیل اثر سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی روان‌شناختی

جدول ۷- خلاصه نتایج به دست آمده از مدل‌های ساختاری تحقیق

رابطه	ضریب استاندارد شده	ضریب غیراستاندارد	خطای استاندارد	مقدار t	سطح معنی‌داری	ضریب تبیین (R ²)
سرمایه اجتماعی ← توانمندسازی	۰/۵۸۰	۰/۸۷۸	۰/۱۹۴	۴/۵۲	۰/۰۰۱	۰/۳۴
انسجام ← توانمندسازی	۰/۱۴	۰/۱۰۲	۰/۰۴۴	۲/۳۰	۰/۰۲۲	
مشارکت ← توانمندسازی	۰/۱۲	۰/۰۸۵	۰/۰۴۲	۲/۰۱	۰/۰۴۴	۰/۱۶
اعتماد ← توانمندسازی	۰/۳۴	۰/۲۹۰	۰/۰۵۰	۵/۸۱	۰/۰۰۱	

در جدول ۷ و نگاره ۳ نتایج مرتبط با تحلیل اثرهای هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روان‌شناختی همراه با ضریب تعیین R² متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل نشان داده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی (مشارکت، انسجام و اعتماد) تأثیر مثبت و معنی‌داری بر توانمندسازی روان‌شناختی داشتند بنابراین هر سه فرضیه فرعی تحقیق پذیرفته می‌شوند و این سه مؤلفه در مجموع ۱۶ درصد واریانس متغیر توانمندسازی روان‌شناختی را تبیین نمودند. مقادیر ضرایب استاندارد به دست آمده در نگاره ۳ نشان می‌دهند مؤلفه مشارکت با مقدار ۰/۱۲ کمترین تأثیر و مؤلفه اعتماد با مقدار ۰/۳۴ بیشترین تأثیر را بر روی توانمندسازی روان‌شناختی داشتند (جدول ۷). این یافته‌ها با نتایج تحقیق رضائی و زارعی (۱۳۹۳)، بورقانی‌فراهانی و همکاران (۱۳۹۵)، حیدری‌ساریان و همکاران (۱۳۹۵)، مهاجرامینی و همکاران (۱۳۹۵)، اعظمی و همکاران (۱۳۹۵)، کشاورزی و همکاران (۱۳۹۰)، قشقایی‌زاده و همکاران (۲۰۱۵) (Ghashghaeizadeh et al., 2015)، دعائی و همکاران (۱۳۹۳)، فردو و همکاران (2009) (Fredu et al., 2009)، سمد (2007) (Samad, 2007)، همخوانی داشت و با نتایج تحقیق بیرام‌زاده و رسولی‌آزاد (2015) (Beyramzadeh & Rasouli Azad, 2015) همخوانی نداشت؛ بنابراین از این یافته این‌گونه استنباط می‌شود که سرمایه اجتماعی با ایجاد همبستگی در بین افراد یا ایجاد کنش‌های اجتماعی و با افزایش همکاری در راستای رسیدن به منافع عمومی و ایجاد مشارکت، انسجام و اعتماد در بین زنان، نه تنها باعث کاهش اختلافات شده، بلکه به توانمندسازی و بهبود سطح توانمندی زنان در تمامی ابعاد، منجر می‌شود. همچنین می‌توان گفت ادراک افراد از عواملی چون اعتماد بین زنان روستایی و درک حمایت‌ها و پیوندهای اجتماعی باعث می‌شود که افراد احساس مثبتی نسبت به کارهای خویش داشته باشند که می‌تواند بر توانمندسازی آنان اثرگذار باشد. در این راستا می‌توان به ابعاد اعتماد و مشارکت اجتماعی در جهت توانمندسازی روان‌شناختی زنان توجه ویژه‌ای نموده و در جهت تقویت و بهبود آن‌ها اقدام کرد.



نگاره ۳- مدل تحلیل اثرهای مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی روان‌شناختی

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

زنان روستایی نقش‌های گوناگون و متعددی را از قبیل همسر، مادر، تولیدکننده محصولات کشاورزی، شرکت در فعالیت‌های دامداری، مشارکت در امر کاشت، داشت و برداشت، فراوری، بازاریابی و تهیه خوراک و غذا دارند. توجه به علایق و استعداد‌های آن‌ها در زمینه‌های مختلف باعث می‌شود که بهتر بتوانند به توانایی‌های خود آگاهی یابند، ابتکار و خلاقیت از خود نشان داده و مشکلات را شناسایی نمایند و با کسب مهارت‌های لازم اقدام به حل مشکل نمایند و توانمندتر گردند. با توجه به اهمیت توانمندسازی روان‌شناختی در توسعه روستایی و نقش سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های ارتقاء بهره‌وری، این مطالعه تأثیر سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان سلماس را مورد بررسی قرار داد.

یافته‌های این تحقیق نشان داد میانگین مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی بیش از سطح متوسط به دست آمد. یافته‌های تحقیق در رابطه با برآزش مدل‌های اندازه‌گیری سازه‌های مورد مطالعه نشان دادند سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی از برآزش مطلوبی برخوردار بودند. به‌منظور آزمون فرضیه اصلی تحقیق، نتایج مدل ساختاری به دست آمده نشان داد که سرمایه اجتماعی اثر مثبت و معنی‌داری بر روی توانمندسازی روان‌شناختی در سطح خطای یک درصد داشت (تأیید فرضیه اصلی تحقیق). به طوری که متغیر سرمایه اجتماعی ۳۴ درصد از واریانس توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان سلماس را تبیین نمود. توانمندسازی زنان در مناطق روستایی، یکی از تکنیک‌های اثربخش برای افزایش بهره‌وری آن‌ها برای مشارکت در برنامه‌های توسعه روستایی می‌باشد که باعث می‌شود آن‌ها بتوانند از ظرفیت‌های فردی و جمعی خود در تحقق اهداف برنامه‌ها به‌طور بهینه استفاده کنند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی مورد مطالعه منجر به بهبود قابلیت‌ها و توانمندی‌های آنان به لحاظ روان‌شناختی خواهد شد. یکی از آثار بارز بهبود قابلیت‌ها و توانمندی زنان روستایی، افزایش روحیه کارآفرینی و خلاقیت در بین آن‌ها می‌باشد که از این طریق زنان روستایی می‌توانند نقش مثبت و فزاینده‌ای در طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی داشته باشد.

نتایج مرتبط با تحلیل اثرهای هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روان‌شناختی، نشان داد مؤلفه‌ی انسجام و مشارکت اجتماعی اثر مثبت و معنی‌داری در سطح خطای پنج درصد بر روی توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی مورد مطالعه داشتند (تأیید فرضیه‌های فرعی اول و دوم تحقیق). همچنین مؤلفه اعتماد اجتماعی اثر مثبت و معنی‌داری در سطح خطای یک درصد بر روی توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی مورد مطالعه داشت (تأیید فرضیه فرعی سوم تحقیق). به‌طور کلی یافته‌های تحقیق نشان داد سه مؤلفه انسجام، مشارکت و اعتماد اجتماعی ۱۶ درصد از تغییرات توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی سلماس را تبیین کردند. از این یافته می‌توان نتیجه گرفت اعتماد اجتماعی باعث می‌شود زنان روستایی احساس معنی‌داری و شایستگی بیشتر در محیط روستایی داشته باشند و توانایی ریسک‌پذیری در بین آن‌ها افزایش می‌یابد و می‌توانند ایده‌های مناسب و جدید خود را در محیط خانواده و روستا با حس تأثیرگذاری بیشتر ارائه نمایند و این کار باعث مصمم شدن و افزایش حس خود تعیینی در آن‌ها می‌شود.

به‌طور کلی از یافته‌های به دست آمده در این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت باوجود فرهنگ‌های مختلف در بین روستاهای مختلف شهرستان سلماس، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک پدیده مشترک در سطح جامعه بر جنبه‌های مختلف فعالیت در زمینه‌های اجتماعی محیط روستایی، از جمله توانمندسازی روان‌شناختی زنان تأثیرگذار است؛ زیرا سرمایه اجتماعی به زنان روستایی اجازه می‌دهد قابلیت دسترسی آن‌ها به منابع و فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح روستا افزایش یابد تا بتوانند به خدمات اساسی و ضروری دست پیدا کنند و در مدیریت محلی روستا مشارکت نمایند. هارکنت (Harknett, 2006) بر این باور است سرمایه و شبکه روابط اجتماعی، نقش مهمی در تأمین حمایت مالی خانواده‌های بی‌بضاعت روستایی ایفا می‌کند. با توجه به این که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اثر مثبت و معنی‌داری بر توانمندسازی روان‌شناختی زنان داشته‌اند لذا پیشنهادهای زیر به‌منظور اقدام‌های عملی توسط نهادهای ذی‌ربط ارائه می‌شود:

- با توجه به اینکه بعد اعتماد با میانگین ۳/۳۰ نسبت به سایر ابعاد سرمایه اجتماعی در سطح بهتری قرار دارد و همچنین مطابق با نگاره ۳ مقدار تأثیر این مؤلفه (با ضریب تأثیر ۰/۳۴) در مقایسه با ابعاد دیگر بر روی توانمندسازی روان‌شناختی بیشتر می‌باشد بنابراین، پیشنهاد می‌شود جهت افزایش اعتماد زنان روستایی مورد مطالعه نسبت به توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و تعهد

اجتماعی خود، اقدامات عملی از طریق نهادهای ذی‌ربط انجام گیرد. یکی از مهم‌ترین این اقدامات عملی می‌تواند برگزاری کلاس‌های آموزشی در جهت افزایش مهارت‌های زندگی در بین روستائیان باشد. برگزاری این دوره‌های آموزشی باعث افزایش سطح آگاهی، مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله، مهارت‌های ارتباطی در بین زنان روستایی می‌شود که به تبع آن می‌توانند با مشارکت و انسجام بیشتری در طرح‌های توسعه‌ای که در راستای توانمندسازی آنان اجرا می‌شود مشارکت نمایند. در واقع افزایش سطح اعتماد اجتماعی بین زنان روستایی، افزایش مشارکت و انسجام آن‌ها را در برنامه‌های توانمندسازی به دنبال خواهد داشت. اداره بهزیستی، مدیریت جهاد کشاورزی و تشکل‌های مردم‌نهاد می‌توانند در تحقق این پیشنهاد نقش بسزایی داشته باشند.

- با توجه به اینکه میانگین همه مؤلفه‌های مورد مطالعه توانمندسازی روان‌شناختی تقریباً در یک سطح قرار داشتند لذا پیشنهاد می‌شود جهت ارتقاء سطح توانمندسازی زنان روستایی، امر نیازسنجی صورت گیرد. به همین منظور می‌توان با برگزاری جلساتی در اماکن عمومی سطح روستاها مانند مسجد، اقدام به شناسایی نیازمندی‌های زنان روستایی نمود و با اولویت‌بندی این نیازها، برنامه‌ریزی‌های لازم را در جهت افزایش ظرفیت‌سازی و توانمندسازی آنان در راستای اهداف برنامه‌ها و طرح‌های توانمند ساز صورت داد. به همین منظور پیشنهاد می‌شود تجربیات شورای روستا، کارشناسان ترویج و تسهیلگران روستایی مورد توجه قرار گیرد. یکی دیگر از روش‌های مورد توجه در این زمینه استفاده از تکنیک‌های مختلف ارزیابی مشارکتی (PRA) می‌باشد. یکی از روش‌های مفیدی که برای این منظور می‌توان پیشنهاد نمود استفاده از تکنیک "قدم زدن در سطح روستا" می‌باشد که بایستی همراه با مشارکت زنان روستایی باشد تا به توانند از نزدیک، نیازهای خود را به تسهیلگران و کارشناسان ترویج نشان دهند. این کار باعث برنامه‌ریزی صحیح و واقع‌بینانه در راستای ارتقاء سطح توانمندسازی زنان روستایی و به دنبال آن افزایش سطح مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خواهد شد.

- با توجه به اینکه در این تحقیق، مؤلفه شایستگی بیشترین سهم را در تبیین توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان سلماس داشت بنابراین، پیشنهاد می‌شود موارد زیر در برنامه‌های توانمندسازی زنان روستایی مورد توجه برنامه‌ریزان و مسئولان مربوطه قرار گیرد: ۱- توانمندسازی زنان روستایی بر اساس میل و خواسته خود؛ ۲- ترغیب زنان روستایی برای داشتن برنامه مشخص و حساب شده برای آینده خود؛ ۳- بالا بردن روحیه خلاقیت و خطرپذیری آن‌ها به‌منظور پذیرش سریع روش‌های نو و جدید؛ ۴- توجه و تمرکز ویژه در برنامه‌های توسعه پایدار روستایی به زنان روستایی در مشکل‌یابی و مشکل‌گشایی مسائل محل سکونت خود.

- با توجه به اینکه میانگین مؤلفه انسجام اجتماعی پایین‌تر از سطح متوسط به دست آمد پیشنهاد می‌گردد شورای روستا نشست‌های محلی و جلسه‌هایی در اماکن عمومی سطح روستا در زمینه‌ی تبیین مسائل و مشکلات و ارائه راهکارها توسط زنان روستایی برگزار نماید تا زمینه‌های مشارکت آن‌ها در برنامه‌های روستایی فراهم آید و از این طریق زنان روستایی بتوانند با انسجام بیشتری در برنامه‌های مختلف، مشارکت نمایند.

منابع

- اعظمی، م.، عطائی، پ.، علی‌آبادی، و.، و موسیوند، م. (۱۳۹۵). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی بر مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های اجتماع- محور: کاربرد معادلات ساختاری. *فصلنامه‌ی زن و جامعه*، دوره‌ی ۷، شماره ۱، صص ۱۶۱-۱۴۳.
- امینی، ع.، و طاهری، ع. (۱۳۹۵). تحلیلی بر نقش‌پذیری زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه مناطق روستایی بخش سیمکان در شهرستان جهرم. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، جلد ۱۲، شماره ۲، صص ۵۱-۳۷.
- بورقانی‌فراهانی، س.، آبدارزاده، پ.، فتوت، ب.، و پورحسینی، ص. (۱۳۹۵). نقش میانجی توانمندسازی روان‌شناختی و کیفیت زندگی کاری در تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروندی سازمانی (مورد مطالعه: رسانه‌های چاپی-روزنامه‌ی دنیای اقتصاد). *فصلنامه‌ی علوم مدیریت ایران*، سال ۱۱، شماره‌ی ۴۱، صص ۱۳۶-۱۱۷.

تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روانشناختی زنان...

- پورتس، ا.، و لندانت، پ. (۱۳۸۲). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، امیدها و دشواری‌ها. ترجمه مصعب عبدالهی، مجله اندیشه صادق، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۲۷-۲۵.
- جلیلیان، س.، و سعدی، ح. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی بر روان‌شناختی زنان روستایی در شهرستان اسلام‌آباد غرب. *فصلنامه‌ی پژوهش‌های روستایی*، جلد ۶، شماره ۴، صص ۷۴۵-۷۶۷.
- چرمچیان لنگرودی، م. (۱۳۹۵). نقش سرمایه اجتماعی بر زنان مرکبات کار شهرستان ساری. *فصلنامه‌ی علمی و پژوهشی زن و جامعه*، شماره ۷، دوره ۱، صص ۲۷-۱.
- چرمچیان لنگرودی، م.، و علی‌بیگی، ا. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی. *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*، شماره ۴، دوره ۱، صص ۱۹۲-۱۶۵.
- حیدری‌ساربان، و.، باختر، س.، و طالع‌حور، و. (۱۳۹۵). ارزیابی و تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی مطالعه موردی: دهستان شیان، شهرستان اسلام‌آباد غرب. *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*، شماره ۷، دوره ۱، صص ۴۹-۲۷.
- حیدری‌ساربان، و. (۱۳۹۷). نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی مشگین‌شهر (مطالعه موردی: بخش مرکزی). *فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا*، سال ۸، شماره ۳، صص ۲۵۳-۲۳۹.
- دعایی، ح.، یعقوبی، ن.، فیروزیخت، ز.، شیخه‌پور، م.، و شیخه‌پور، ز. (۱۳۹۳). توانمندسازی کارکنان به‌عنوان حلقه میانی بین سرمایه فکری و کیفیت زندگی کاری. *فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت*، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۰۶-۹۲.
- ده‌حقی، س.، چیدری، م.، و صدیقی، ح. (۱۳۹۳). نقش تعاونی‌های کشاورزی در اجتماعی زنان روستایی استان تهران. *فصلنامه‌ی تعاون و کشاورزی*، شماره ۳، دوره ۱۱، صص ۲۳-۱.
- رستمی، ف.، محمدی، م.، علی‌آبادی، و.، و کریمیان، ن. (۱۳۹۲). وضعیت سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی سرپرست خانوار. *فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۱۰، دوره ۱، صص ۲۴-۷.
- رضائی، ر.، و زارعی، ش. (۱۳۹۳). بررسی دیدگاه زنان روستایی درباره‌ی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بر توانمندسازی آنان (مورد مطالعه: روستای حسن‌خان، شهرستان قره). *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۱۲، دوره ۲، صص ۳۰۴-۲۸۷.
- رضائی‌جندانی، م.، هویدا، ر.، و سماواتیان، ح. (۱۳۹۴). مفهوم توانمندسازی روانشناختی و رابطه آن با سرمایه روانشناختی معلمان. *دوفصلنامه رویکردهای نوین آموزشی*، سال ۱۰، شماره ۲۱، صص ۸۲-۶۷.
- ریماز، ش.، مرادی، ی.، و ابوالقاسمی، ج. (۱۳۹۴). بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در زنان سرپرست خانوار با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی. *مجله علوم پزشکی رازی*، دوره ۲۲، شماره ۱۳۵، صص ۱۴۸-۱۴۰.
- زبیری، ه.، و کریمی‌موغاری، ز. (۱۳۹۳). اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی. *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۶۲-۳۹.
- شارع‌پور، م.، رازقی، ن.، و غلامزاده، خ. (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۴، شماره ۳، صص ۵۳-۴۰.
- شانازی، ک.، و اعظمی، م. (۱۳۹۶). اثرات تالاب زریوار میوان بر معیشت پایدار خانوارهای روستایی. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، جلد ۱۳، شماره ۲، صص ۲۴۸-۲۳۵.
- شکوری، ع.، رفعت‌جاه، م.، و جعفری، م. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها. *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۶-۱.
- فقیری، م.، زرافشانی، ک.، و علی‌بیگی، ا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر زنان روستایی استان کرمانشاه. *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۱۷، دوره ۳، صص ۲۲-۱.

قدیری معصوم، م.، عینالی، ج.، سوری، ف.، و چراغی، م. (۱۳۹۳). نقش توانمندی شغلی زنان در توسعه اقتصادی نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش کونانی شهرستان کوهدشت). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، دوره ۳، شماره ۶، صص ۲۵-۱۷.

قیصری، ح.، شاه‌ولی، م.، و رضائی‌مقدم، ک. (۱۳۹۱). بررسی توانمندی روانشناختی اعضای تعاونی‌های تولید روستایی استان فارس. *مجله پژوهش‌های روستایی*، سال ۳، شماره ۲، صص ۲۰-۱.

قیومی، ع.، میرجعفری، ب.، و نادری شه‌میرزادی، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و اجتماعی با توانمندسازی کارکنان روابط عمومی. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <http://www.shara.ir>.

کرمی دهکردی، ا.، و بابائی، ر. (۱۳۹۷). تحلیل نیازهای اطلاعاتی زنان روستایی جهت مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی در حوزه آبخیز قزل تپه استان زنجان). *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، جلد ۱۴، شماره ۱، صص ۱۸۴-۱۶۳.

کشاورزی، ع. ح.، حسینی، ا.، حیدری‌نسب، ل.، و آمده، ع. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روانشناختی کارکنان (مطالعه موردی: استانداری قم). *دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد*، شماره ۵۰، صص ۳۴۴-۳۲۹.

کیمیائی، س. ع. (۱۳۹۰). شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۴۰، صص ۹۲-۶۳.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). چکیده نتایج طرح آمارگیری عمومی نفوس و مسکن. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://www.amar.org.ir>

مغنی‌دامغانی، ط.، باقری، م.، و مغنی‌دامغانی، ف. (۱۳۹۴). بررسی نقش زنان در توسعه پایدار از بعد توانمندسازی مهارتی. *چهارمین همایش ملی و سومین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال*، تهران، ۱۷ خردادماه، صص ۱-۱۱.

موسوی، م. ط. (۱۳۸۶). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۹۲-۶۷.

مهاجر امینی، ش.، مجردی، غ.، و بادسار، م. (۱۳۹۵). بررسی نقش عوامل اجتماعی و روانشناختی بر زنان روستایی سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد (مورد مطالعه: شهرستان عباس‌آباد). *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۲۵-۲۱۱.

Abdul Jamal, M., Ayesha, R., Amatul, Kh., and Yasmeen Sultana, H. (2016). Empowerment of muslim women through microfinance and self help groups: A case study of Chennai city. *Asian Business Review*, 6(2), 117-124.

Abraham, J. (2011). Measurement of social empowerment of farmers in self-help groups: Evidence from India. *International NGO Journal*, 6(12), 255-261.

Acharya, S., Yoshino, E., Jimba, M., and Wakai, S. (2005). Empowering rural women through a community development approach in Nepal. *Oxford University Press and Community Development Journal*, 42(1), 34-46.

Ashish, J., Taylor, P., and Abbasi, K. (2016). Accelerating achievement of the sustainable development goals. *The BMJ: Leading General Medical Journal*, 3(2), 352-409.

Beingen, J. (2010). Agricultural development policy and grassroots democracy in Mali, the emergency of Mali farmer movement. *African Rural and Urban Studies*, 1(1), 57-61.

Beyramzadegan, S., and Rasouli Azad, M. (2015). The relationship social capital and empowerment in central libraries' librarians of public universities in Tehran. *Journal of Humanities And Social Science*, 20(6), 60-64.

Bharathamma, G.U. (2005). Empowerment of rural women through income generating activities in gadagdistrict of north Karnataka. Ph.D. dissertation. University of Dharwad, India.

Blanchard, E.M. (2003). Gender, international relations, and the development of feminist security theory. *The University of Chicago Press Journal*, 28(4), 1289-1312.

- Borghei, R., Jandaghi, G., Matin, H.Z., and Dastani, N. (2010). An examination of the relationship between empowerment and organizational commitment. *International Journal of Human Sciences*, 7(2), 63-79.
- Dandona, A. (2015). Empowerment of women: A conceptual framework. *The International Journal of Indian Psychology*, 2(3), 34-45.
- Fredu, N., Mathijs, E., Deckers, J., and Tollens, E. (2009). Gender, social capital and empowerment in Northern Ethiopia. Munich Personal RePEc Archive. Available at: <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/24629/1/social_capital_empowerment_and_gender.pdf>.
- Gangadharappa, H.V., Pramod, K.T.M., and Shiva, K.H.G. (2007). Gastric floating drug delivery systems: A review. *Indian Journal of Pharmaceutical Education and Research*, 41, 295-305
- Ghashghaeizadeh, N., Karimzadeh, S., and Nazem, F. (2015). The relationship between social capital and organizational learning with psychological empowerment in staff of Islamic Azad University of Khuzestan province. *International Journal of Scientific Research*, 6(2), 1-20.
- Harknett, K. (2006). The relationship between private safety nets and economic outcomes among single mothers. *Journal of Marriage and Family*, 68(1), 172-191.
- Hoque, M., and Itoharu, Y. (2008). Participation and decision making role of rural women in economic activities: A comparative study for members and nonmembers of the micro-credit organizations in Bangladesh. *Journal of Social Sciences*, 4(3), 229-236.
- Jacek, H. (2005). Psychological empowerment at the workplace as a predictor health. *Personality and Individual Differences*, 3(9), 1237-1248
- Meng, L., Jin, Y., and Guo, Y. (2016). Mediating and/or moderating roles of psychological empowerment. *Applied Nursing Research*, 30, 104-110.
- Mishra, A.K. (1996). Organizational responses to crisis: The centrality of trust. In R. M. Kramer & T.R. Tyler (Eds.), *Trust in organizations: Frontiers of Theory and research*, 261-287. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Mitra, S., and Kundu, A. (2012). Assessing empowerment through generation of social capital. *Journal of Business and Social Research*, 6, 72 -84.
- Ozbas, A.A., and Tel, H. (2015). The effect of a psychological empowerment program based on psychodrama on empowerment perception and burnout levels in oncology nurses: Psychological empowerment in oncology nurses. *Palliative and Supportive Care*, 14(4), 393-401.
- Ram, N.T. (2009). *Rural women empowerment in India in empowerment of rural women in India*. New Delhi: Kanishka Publishers.
- Samad, S. (2007). Social structure characteristics and psychological empowerment: Exploring the effects of openness personality. *Journal Academy of Business*, 12(1), 70-76.
- Sangeetha, V., Nishi, Sh., Wason, M., Premlata, S., and Padaria, R.N. (2016). Whether modular capacity building tools are effective in empowering self help groups. *International Journal of Bioresource and Stress Management*, 7(5), 1181-1185.
- Seunghwan, M., and Hyungjun, S. (2016). Which type of social capital matters for building trust in government? looking for a new type of social capital in the governance era. *Journal of Sustainability*, 8 (322), 1-15.
- Shahna, P., and Leonhauser, I.U. (2004). Empowerment of rural women in Bangladesh: A household level analysis. Conference on rural poverty reduction through research for development and transformation., October 5th-7th, Deutscher Tropentag-Berlin.
- Spreitzer, G.M. (1995). Psychological empowerment in the workplace: Dimensions, measurement and validation. *Academic of Manangement Journal*, 38(5), 1442-1465.
- Tayde, Vidya, V., and Chole, R.R. (2010). Empowerment appraisal of rural women in Marathwada region of Maharashtra state. *Indian Research Journal of Extension Education*, 10(1), 33-36.
- Thomas, K. W., and Velthouse, B.A. (1990). Cognitive elements of empowerment: An interpretive model of intrinsic task motivation. *Academy of Management Journal*, 15(4), 666-681.
- Wang, J.L., and Zhang, D.J. (2012). An exploratory investigation on psychological empowerment among Chinese teachers. *Advances in Psychology Study*, 1(3), 3-21.
- World Bank (2012). Gender Equality And Development. Washington, DC. Available at: <<http://www.worldbank.org/en/research/dime/brief/dime-gender-program>>.
- World Bank (2008). Agriculture for development. Washington, DC. Available at: <https://siteresources.worldbank.org/INTWDR2008/Resources/WDR_00_book.pdf>.

Analyzing Effect of Social Capital on the Psychological Empowerment of Rural Women in Salmas Township

R. Kazemi, J. Yaghoubi and A. Naeimi^{*1}

(Received: Sep,01. 2018; Accepted: Dec, 25. 2018)

Abstract

Nowaday, women's empowerment is one of the goals of development and it means increasing awareness, reliability, choice, skill and control power by them. Therefore, this study was conducted to analyze the effect of social capital on the psychological empowerment of rural women in Salmas township. The research method was descriptive and correlation. The statistical population consisted of rural women in Salmas township located at West Azarbaijan. The statistical population of this study was 31996 rural women. The sample size calculated 382 via Krejcie and Morgan table. A multistage cluster sampling method was used to select the samples. The research instrument was a questionnaire which its face and content validity were confirmed by a panel of experts. The reliability of the questionnaire was confirmed via calculating the Cronbach's and the composite reliability coefficients. The findings of structural equation modeling (SEM) showed that social capital had positive and significant effect on the psychological empowerment of rural women. So that, this variable explained 34 percent of the variance in rural women's psychological empowerment.

Keywords: Rural Women, Psychological Empowerment, Social Capital.

¹ Former M.Sc. Student, Associate professor and Assistant professor, respectively, Department of Extension, Communication and Rural Development, University of Zanjan. Zanjan, Iran.

* Corresponding Author, Email: a.naeimi@znu.ac.ir